

# شطرنج یا تخته نرد

تحلیلی از عباس پورگرامی

حکیم ابولقاسم فردوسی، ابر مرد بی بدیل ادب ایران، رقابت رازگشایی دو بازی ارزنده شطرنج و تخته نرد بین هندوستان و ایران را با دقت و مهارت بسیار سروده و برای پارسی زبانان به یادگار گذاشته است. این داستان حکایتی است از شرط بندی رای پادشاه هندوستان با انوشیروان دادگر جهت رازگشایی شطرنج؛ پژوهش بوزرجمهر در فراگرفتن نحوه بازی شطرنج؛ و متقابلاً شرط بندی انوشیروان با رای جهت رازگشایی تخته نرد

داستان از انجا آغاز می شود که کاروانی مملو از هدایا از جانب رای برای انوشیروان به ایران می رسد. علاوه بر آن، رای شطرنج را با دو دسته مهره های سیاه و سفید جهت شناسایی خانه هر مهره و نحو نبرد بین بازی کنان را تقدیم می کند شرط این رازگشایی خراجی است که هندوستان به ایران می پردازد

یکی تخت شطرنج کرده به رنج  
تهی کرده از رنج شطرنج گنج

بدانند هر مهره بی را به نام  
که چون راند بایدهش و خانه کدام

پیاده بدانند و پیل و سپاه  
رخ و اسب و رفتار فرزین و شاه

همان باژ و ساوی که فرموده شاه  
بخوی فرستم بدان بارگاه

انوشیروان نخبه های دربار را جهت این آزمون فرا می خواند که هیچکدام قادر به حل معما نمی شوند تا اینکه بوزرجمهر با دو روز مطالعه و تمرین، جای نشستن مهره ها، نحوی حرکت آنها، و راهبرد نبرد بین دو بازیکن را به شاه و فرستاده رای نشان می دهد و همه را به تحسین و او می دارد. بپاس هوشمندی، انوشیروان هدایای ارزشمندی به بوزرجمهر اهدا می کند

بدو گفت شاه این سخن کارست  
که روشن روان بادی و تندرست

بیاورد شطرنج بوزرجمهر  
پر اندیشه بنشست و بگشاد چهر

به یک روز و یک شب چو بازی یافت  
ز ایوان سوی شاه ایران شتافت

به خوبی همه بازی آمد بجای  
به بخت بلند جهان کدخدای

این بار، بوزرجمهر تخته نرد را با دو دسته مهره های سیاه و سفید و دو عدد تاس از جانب انوشیروان به رای تقدیم می کند مانند شطرنج، این آزمون شامل چیدن صحیح مهره ها و نحوی انجام نبرد بین دو بازیکن می باشد. رای نخبه های

هندوستان را برای رازگشایی این بازی فرا می خواند که هیچکدام قادر به حل معما نمی شوند. رای با باختن شرط، بدهی خود را به همراه هدایای گرانبها به نزد انوشیروان می فرستد

نهادیم بر جای شطرنج نرد  
کنون تا به بازی که ارد نبرد

به کشور ز پیران شایسته مرد  
یکی انجمن کرد و بنهاد نرد

همی باز جستند بازی نرد  
به رشک و به رای و به ننگ و نبرد

بزرگان دانا بیکسو شدند  
به نادانی خویش خستو شدند

شطرنج و تخته نرد محبوبیت فراوانی دارند بطوری که هر ساله مسابقات متعددی جهت یافتن بهترین بازیکنان در سراسر جهان انجام می شود. اما تفاوت زیادی بین این دو بازی وجود دارد. شطرنج یک بازی عقلانی است که به فراگیری قوانین آن، طرح و اجرای راهبردهای جنگی، و داشتن تمرین مداوم برای کسب مهارت نیاز دارد. یک شطرنج باز نیاز به برنامه ریزی اجرای راهبرد مناسب، و شناخت واکنش حریف در نبرد برای پیروزی دارد. بهمین علت، مسابقه بین اساتید ساعتها بصورت جنگ و گریز ادامه می یابد

در مقایسه با شطرنج، تخته نرد بازی اسانی است با فراز و فرود های بسیار. تخته نرد ترکیبی است از مهارت و شانس مهارت در حرکت دادن مهره ها و شانس در پرتاب تاس ها. شانس در پرتاب تاس ها در نتیجه بازی بسیار موثر است چون بازیکن با نتایج بدست آمده، مهره ها را حرکت می دهد. از این رو، یک بازیکن ماهر با دانش به حساب احتمالات، قبول خطر کشته شدن مهره های خود، و خانه سازی مناسب برای آنها می تواند نبردی شایسته ارایه دهد. با تفاوت های ذکر شده بازی نرد نسبت به شطرنج محبوبیت بیشتری در بین ایرانیان دارد و بیشتر ما رفتاری مانند یک تخته باز در زندگی داریم

بعضی از پهلوانان شاهنامه نیز رفتاری چنین دارند: قبول خطر و امید به آوردن شانس برای پیروزی. برای نمونه، بهرام چوبینه سپهسالار ایرانی با دوازده هزار جنگاور به نبرد ساوه شاه تورانی با سپاهی مجهز به چهارصد هزار سرباز و صد ها پیل می رود. او با پذیرش خطر مرگ همگانی با اجرای یک روش هجومی ابتکاری، موفق به یک پیروزی حیرت اور می شود. اخیرا در جنگ خونین ایران و عراق، هزاران نوجوان ایرانی با خطر راه رفتن بروی مین های کاشته شده در شن، پیشاهنگ سپاه شدند که تعداد زیادی کشته یا مجروح شدند و برخی جان سالم بدر بردند

در همین راستا، مانوک خدابخشیان، تحلیل گر برجسته، معتقد است که ایرانیان در حوادث سیاسی رفتاری مانند یک بازیکن تخته نرد دارند. آنان با پذیرش خطر و بدون توجه به نتیجه احتمالی بازی برای پیروزی کوتاه مدت تلاش می کنند. او این نظریه را در حوادث فتنه ۱۳۵۷ توجیه می کند. برآمده از یک توطئه جهانی، مردان و زنان پر جوش و احساساتی راه را برای یک حکومت سفاک و بدون برنامه مذهبی در تقابل با یک رهبر پیشرو که حاضر به ریختن خون هموطنانش نبود هموار کردند. با پیروزی فتنه، مردم در یک همه پرسی اری-نه، جمهوری اسلامی را به تثبیت رساندند بدون آنکه با هویت حکومت اسلامی تحت نظر ولایت فقیه آشنا باشند و بدون آنکه نگرانی به آینده در زیر سلطه چنین رژیم داشته باشند، رژیمی که با اعدام بزرگان ارتش شروع بکار کرد، با کشتار دسته جمعی ۱۳۶۷ زندانیان ادامه به کار داد، و با کشتن، کور کردن شکنجه، تجاوز و اعدام جوانان آزادی خواه همچنان مشغول چپاول ثروت بیکران ایران زمین می باشد